

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران

حسین محمودیان*، حجه‌بی‌بی رازقی نصرآباد**، محمدرضا کارگر شورکی***

چکیده: یکی از مهم‌ترین روندها در مهاجرت، ورود زنان به جریان‌های مهاجرت است. این مقاله با تأکید بر زنانه شدن مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای خاص که در طول دو قرن اخیر در حال رشد بوده است به مطالعه وضعیت زنان مهاجر با تحصیلات دانشگاهی در تهران می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش جست‌وجو، توصیف، تفسیر و کسب بینش عمیق‌تر و وسیع‌تر در مورد تجربه‌ی زندگی زنان مهاجر در تهران است. به همین دلیل، با به‌کارگیری تکنیک مصاحبه‌ی عمیق با ۲۵ زن مهاجر با تحصیلات دانشگاهی در تهران، تجارب زنان مهاجر را مطالعه می‌کند. در این مطالعه انگیزه‌های مهاجرت زنان؛ جست‌وجوی کار، دستیابی به شغل بهتر، یافتن همسر مناسب و رهایی از مشکلات ناشی از مجرد است و در مجموع، تجربه‌ی زندگی زنان مهاجر در تهران مشتمل بر احساس توان‌مندی و استقلال اقتصادی و اجتماعی بیشتر، افزایش سطح آگاهی‌ها، افزایش حق انتخاب، هم‌چنین تبعیض جنسیتی، تغییر از وضعیت عامل به قربانی و درگیری در پارادوکسی از محرومیت و مطلوبیت است. یافته‌های این مطالعه بیان‌گر این مطلب است که مهاجرت نتایج متباین دارد؛ در عین حال که سبب به‌دست آوردن امتیازاتی می‌شود، می‌تواند باعث از دست دادن برخی مزایا نیز بشود. به دیگر سخن، فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت زنان باید به‌صورت هم‌زمان مد نظر قرار گیرد. هم‌چنین اکثر زنان مهاجر تمایلی به از دست دادن استقلالی که در محل مهاجرت به‌دست آورده بودند، نداشتند.

واژه‌های کلیدی: زنان، مهاجرت، تحصیلات دانشگاهی، مصاحبه عمیق، تهران، تجارب مهاجرت

مقدمه و طرح مسئله

طبق نظریه‌ی علمی‌گزینشی بودن مهاجرت، مهاجران عموماً به‌صورت یک گروه تصادفی نیستند. هم‌راه با هرگونه فرصتی که به‌وجود می‌آید، بعضی افراد مهاجرت را برمی‌گزینند و بعضی مانند راه، که این امر بر حسب

hmahmoudian@ut.ac.ir

hrnrazeghi@yahoo.com

rkaregar@gmail.com

* دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

*** کارشناس سیاست‌های بازار کار، وزارت کار و امور اجتماعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

تصادف نیست. معمولاً مهاجران ویژگی‌هایی دارند که موجب می‌شود زمینه‌های رفتن یا ماندن را در مقایسه با آن‌هایی که می‌مانند ارزیابی کنند (اوبرای^۱، ۱۳۷۰: ۸۲). مطابق با این نظریه، مهاجرت تحت تأثیر سن، جنس، تحصیلات و غیره است. معمولاً افراد جوان و آموزش‌دیده و مردان احتمال دارد تصمیم به مهاجرت بگیرند، اما در حال حاضر الگوهای مهاجرت تغییراتی داشته است و امروزه یکی از مهم‌ترین روندها در مهاجرت، ورود زنان به جریان‌های مهاجرت است. تا دو دهه قبل، در تحقیقات و مداخلات سیاسی در مورد مهاجرت جنسیت به‌عنوان یک مقوله‌ی تحلیلی در نظر گرفته نمی‌شد. این بی‌توجهی بر این فرض مبتنی بود که مهاجرت‌ها بیشتر جریانی مردانه و مهاجرت زنان فقط در ارتباط با مهاجرت‌های خانواده است، اما در چندین دهه‌ی اخیر در حدود نیمی از مهاجران زنان هستند (سنگرا^۲، ۲۰۰۴: ۲). زنان در هر دو مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی حضور زیادی داشته‌اند و سرعت زنانه شدن از دو دهه‌ی اخیر افزایش یافته است.

طبق اطلاعات آخرین سرشماری در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بیشترین درصد مهاجرت‌های درون‌مرزی زنان در ایران به تهران بوده است. البته الگوهای گزینشی بر حسب جنسیت در گروه‌های مختلف متفاوت است. برای مثال در بسیاری موارد زنانی که دارای آموزشی بالاتر هستند بیشتر گرایش به مهاجرت داشته‌اند. در واقع آن‌ها از فرصت‌های تحصیلی و شغلی موجود در مقصد آگاهی بیشتری دارند و برای عینیت بخشیدن به مهاجرت تواناترند. با توجه به این که مهاجرت زنان از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه و جنسیت، معرف توان‌مندی زنان است و تحرک زنان را به‌عنوان نتیجه‌ی توسعه در نظر می‌گیرند، در واقع سطوحی از توسعه ممکن است افراد را تشویق به مهاجرت یا ماندن در مبدأ کند (سنگرا، ۲۰۰۴: ۶). این سؤال‌ها مطرح است که زنان چه تفسیری از شرایط مهاجرت دارند؟ چه عواملی باعث شده است که آن‌ها مهاجرت کنند؟ و آیا در کشور ما نیز زنان، مهاجرت را یک فرصت تلقی می‌کنند؟

در کشور ما تحقیقات زیادی در زمینه‌ی مهاجرت انجام شده که عمدتاً بر اساس اطلاعات سرشماری است. محققان مختلف توانستند با به‌کارگیری این اطلاعات، تأثیر مهاجرت بر عرضه‌ی نیروی کار و تغییرات جمعیتی استان را ارزیابی کنند (کوششی، ۱۳۸۳؛ بلادی موسوی، ۱۳۸۱). برخی از مطالعات نیز به تأثیری توجه کرده‌اند که مهاجرت بر مبدأ یا مقصد می‌گذارد. به‌رغم اهمیت غیرقابل انکاری که تحقیقات پیمایشی در این زمینه در کشور دارند، به نظر می‌رسد که کمتر از زاویه‌ای نزدیک به این گروه

1. Oberai

2. Sanghera

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۵۳

از مهاجران و تجاربشان و به دلایل و تأثیر مهاجرت از دیدگاه مهاجران پرداخته‌اند. در واقع، بیشتر مطالعات بر روی پیامدها و تأثیر کلان مهاجرت بوده و کمتر تأثیر سطح خرد را مورد نظر قرار داده‌اند. بنابراین مقاله‌ی حاضر بیش از هر چیز پرداختن به انگیزه‌ی مهاجرت و تجربه‌ی زنان مهاجر در تهران را دنبال می‌کند و برای دستیابی به این هدف در مرحله‌ی اول به سراغ ادبیات نظری موضوع رفته‌ایم تا دریابیم محققان داخلی و خارجی در این باره به چه نتایجی رسیده‌اند و در مرحله‌ی بعد به سراغ چند نفر از زنان رفته‌ایم و از آنان خواسته‌ایم که خود، درباره‌ی انگیزه و هدف و تجربه‌ی مهاجرتشان سخن بگویند.

طبق اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۰ درصد زنان به دنبال فرصت‌های تحصیلی و شغلی به تهران مهاجرت کرده‌اند. به همین دلیل در این مطالعه جمعیت نمونه شامل زنان مهاجر با تحصیلات دانشگاهی است. انتخاب شهر تهران نیز به‌عنوان میدان تحقیق ناشی از موقعیت این شهر است. شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور، بزرگ‌ترین مادرشهر کشور محسوب می‌شود و بسیاری از امکانات آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و تفریحی در آن تمرکز یافته‌اند. تفاوت قابل توجه این شهر به لحاظ امکانات مذکور با سایر شهرها، حرکت‌های مهاجرتی زیادی را به سمت تهران باعث شده است.

سیمای جمعیت‌شناختی زنان مهاجر در تهران

طبق نتایج سرشماری ۱۳۸۵، تعداد واردشدگان ۱۰ سال به بالا ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر است بیشترین مهاجرت‌های درون‌مرزی به تهران انجام شده که شامل ۲۱۹۵۰۲۴ نفر است؛ به‌عبارتی ۲۹/۵۶ درصد از کل واردشدگان به تهران. در این میان ۱۸/۱۵ درصد از مردان و ۱۷/۹۶ درصد از زنان به تهران وارد شده‌اند. در واقع بیشترین درصد واردشده‌ها به تهران مهاجرت کرده‌اند.

جدول (۱) توزیع مهاجران وارد شده وارد شده به تهران

طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ برحسب جنس

تعداد واردشدگان	هر دو جنس	مردان	زنان
کل	۱۲۱۴۸۱۴۸	۶۷۵۴۹۹۴	۵۳۹۳۱۵۴
تهران	۲۱۹۵۰۲۴	۱۲۲۶۲۶۹	۹۶۸۷۵۵
درصد از کل	۲۹/۵۶	۱۸/۱۵	۱۷/۹۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

۵۴ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

مطابق با سایر مناطق جهان، در ایران نیز جوانان بیش از سایر گروه‌ها اقدام به مهاجرت می‌کنند. هم‌چنین نتایج سرشماری نشان می‌دهد که بیشترین مهاجران زن واردشده به تهران (۶۱/۲۸ درصد) در گروه‌های سنی ۱۵-۳۹ ساله قرار دارند.

جدول شماره (۲) توزیع مهاجران واردشده به استان تهران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ برحسب جنس و گروه‌های سنی

زنان		مردان		تعداد واردشدگان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۱/۸۹	۲۱۲۱۴۲	۱۸/۱۷	۲۲۲۹۰۹	کمتر از ۱۵
۶۱/۲۸	۵۹۳۶۶۷	۶۴/۱۶	۷۸۶۸۲۴	۱۵-۳۹
۱۶/۸۲	۱۶۲۹۴۷	۱۷/۶۵	۲۱۶۵۳۵	۴۰ به بالا

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، از مجموع زنان واردشده به استان تهران ۷۳/۵۳ درصد به‌علت پیروی از خانوار به تهران مهاجرت کرده‌اند. به‌عبارتی بیشترین مهاجرت زنان از نوع مشارکتی و حدود چهار درصد به‌منظور جست‌وجوی کار و جست‌وجوی کار بهتر یا انتقال شغلی و شش درصد به‌دلایل آموزشی، ۱۰ درصد سایر موارد بوده است و شش درصد نیز پاسخی اعلام نکرده‌اند.

جدول شماره (۳) نسبت واردشدگان زن به استان تهران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بر حسب علت مهاجرت

واردشدگان زن	جست‌وجوی کار	جست‌وجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	تحصیل	پایان تحصیل	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده	جمع
۱۲۳۱۰	۷۸۸۳	۱۴۴۶۸	۴۸۵۹۵	۶۸۰۳	۷۱۲۳۱۷	۱۰۴۴۹۰	۶۱۸۹۰	۹۶۸۷۵۵		
۱/۲۷	۰/۸۱	۱/۴۹	۵/۰۲	۰/۷۰	۷۳/۵۳	۱۰/۷۹	۶/۳۹	۱۰۰		

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

به‌طور کلی بعد از مهاجرت‌های مشارکتی که زنان همراه خانواده اقدام به مشارکت کرده‌اند، بیشترین زنان به‌منظور دستیابی به فرصت‌های آموزشی و شغلی راهی تهران شده‌اند.

مبانی نظری

به‌دلیل ماهیت چندوجهی و بین‌رشته‌ای مهاجرت، در رابطه با دلایل مهاجرت آرا و نظریاتی گوناگون مطرح است و این نظریات ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موضوع را در نظر گرفته‌اند. از

جمله نظریاتی که به موضوع مهاجرت زنان خیلی ارتباط دارند، نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی، جاذبه و دافعه و نظریه جهانی شدن است. این نظریات اگر چه به‌طور مستقیم موضوع مهاجرت زنان را مطرح نمی‌کنند اما هر کدام بخشی از دلایلی را توضیح می‌دهند که زنان را به مهاجرت برمی‌انگیزاند. یک دسته از نظریه‌های فمینیستی نیز وضعیت زنان مهاجر را به‌عنوان یکی از مسایل زنان می‌نگرند. این نظریات موضوع زنان مهاجر را در بستر شرایطی از نابرابری و تبعیض علیه زنان مطالعه می‌کنند.

نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی

نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی به نظریه‌ی هزینه-فایده موسوم است. مبتنی بر این نظریه، ساستاد عنوان می‌کند که تصمیم‌گیری برای مهاجرت، گونه‌ای تصمیم به سرمایه‌گذاری است که در آن هزینه‌ها و دستاوردهای شخص را در نظر می‌گیرند که در طول زمان واقعیت می‌یابد. به نظر ساستاد^۳ مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد؛ بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است. طبق این نظریه علاوه بر درآمد، هزینه‌ها نیز بر جریان مهاجرت تأثیر دارند و مهاجرت زمانی صورت می‌گیرد که درآمد در مبدأ به‌علاوه‌ی هزینه‌ی واقعی مهاجرت، کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. هزینه‌های مهاجرت شامل؛ هزینه‌های پولی مستقیم، هزینه‌های پولی غیرمستقیم و هزینه‌های روانی است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲). این نظریه از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای مطالعه نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص مناسب شناخته شد. این نظریه با در نظر گرفتن مهارت و تخصص نیروی انسانی به‌عنوان کالایی قابل عرضه و مبادله در بازار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد و معتقد است که نیروی انسانی ماهر و متخصص برای کسب دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۸).

مطالعه‌ی کوینلن^۴ (۲۰۰۵) در هند نشان داد که احتمال مهاجرت زنان جوان بیشتر است. در نمونه‌ی کوینلن دختران بیشتر از پسران به تحصیلات خود اهمیت می‌دهند. در واقع والدین آن‌ها نیز معتقدند که دختران‌شان با تحصیلات بالاتر و حرکت به یک منطقه‌ی دیگر برای تحصیل، شانس بیشتری برای

³. Sjaastad

⁴. Quinlan

ازدواج بهتر خواهند داشت. در مجموع مطالعه‌ی کوینلن نشان داد که افراد برای دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و ازدواج مهاجرت می‌کنند.

نظریه‌ی جاذبه و دافعه

اورت لی^۵ در ۱۹۶۶، مهاجرت را تحت تأثیر عوامل مبدأ و مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت و عوامل شخصی تبیین کرد. نظریه‌ی او به تئوری عوامل دافعه و جاذبه مشهور است. بر اساس این نظریه، رانش‌ها و کشش‌هایی متنوع در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن برمی‌انگیزند. در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنان‌چه در مرحله‌ی بعد، شرایط و امکانات مناسب فراهم باشد و عوامل شخصی و موانع موجود در جریان مهاجرت تأثیری بازدارنده اعمال نکنند، تمایل به مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد مهاجرت می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

روی‌کرد جهانی شدن

این روی‌کرد، مهاجرت را یک اضطرار و شکل در حال رشد از اقتصاد جهانی کنونی می‌داند که بر زندگی میلیون‌ها زن، مرد و بچه تأثیر می‌گذارد (سنگرا، ۲۰۰۳: ۵۹). تحلیل‌های جهانی‌شدن از دیدگاه جنسیت، افزایش تحرک افراد مخصوصاً زنان را درون و در عرض مرزهای ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد (مارتین^۶، ۲۰۰۳). طبق این روی‌کرد، مهاجرت روزافزون زنان به‌وسیله‌ی دو فرایند هم‌زمان و مرتبط به‌هم ایجاد شده است که ریشه‌ی آن‌ها نیز در جهانی‌شدن است (سنگرا، ۲۰۰۳: ۵۹). فرایند اول: در حاشیه ماندن جوامعی که با وجود این‌که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شرایطی مساعد نیستند، گروه‌های فرودست زیادی نظیر زنان و دخترانی که از منابع اقتصادی محروم هستند در آن‌جا زندگی می‌کنند. این عامل باعث می‌شود که زنان و دختران در جست‌وجوی وسایل مناسب و قابل دوام برای معیشت‌شان تلاش کنند. فرایند دوم: استخدام نیروی کار مبتنی بر جنسیت در نتیجه‌ی تقاضا برای نیروی کار زن است. تقاضایی که به‌وسیله‌ی رشد جهانی بخش خدمات ایجاد شده و شامل کار خانگی، مراقبت از افراد سالمند و بیمار، خدمات جنسی و غیره است.

^۵. Evert Lee

^۶. Martin

دیدگاه فمینیستی

در رویکرد فمینیستی مهاجرت زنان که زمینه‌ی فرصت‌هایی جدید برای بهبود زندگی زنان و تغییر روابط جنسیتی فراهم می‌کند، مورد تأکید است. مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتمادبه‌نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان باشد. مهاجرت بر روابط جنسیتی مخصوصاً نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر می‌گذارد. مهاجرت در بسیاری از جنبه‌ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می‌کند. هنگامی زنان از جوامع سنتی و شهرهای کوچک به جوامع مدرن و شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت‌های زنان آشنا می‌شوند. اگر آن‌ها به مشاغل بیرونی دسترسی داشته باشند ممکن است به منابع مالی نیز دسترسی داشته باشند و این عامل اساسی در استقلال زنان به لحاظ تصمیم‌گیری نیز می‌شود و مسئولیتی بیشتر در امور خود و خانواده‌شان دارند.

طرفداران این دیدگاه، از محدودیت تحرک زنان انتقاد می‌کنند و بر فراهم آوردن زمینه‌ی تحرک داوطلبانه و تصمیم داوطلبانه‌ی خود زنان برای رفتن یا ماندن خیلی تأکید دارند. با این حال این نظریه‌پردازان ادعا می‌کنند که وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی زنان مهاجر دلیل بر مسئله بودن مهاجرت زنان نیست، بلکه شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابر است که مهاجرت زنان را به یک مسئله‌ی اجتماعی تبدیل می‌کند. یکی از مسایل مرتبط با زنان مهاجر در دیدگاه فمینیستی، نابرابری و تبعیض علیه زنان در بازار کار است. در بحث نابرابری در بازار کار به نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی، نابرابری دست‌مزد، محدودیت شغلی، بهره‌کشی از زنان و ناامنی در محیط کار اشاره می‌شود (سنگراه، ۲۰۰۴: ۸).

مروری اجمالی بر نظریات فوق نشان‌دهنده‌ی آن است که همه‌ی آن‌ها دربردارنده‌ی ادعاهایی کلان نسبت به مهاجرت زنان هستند، اما در این مقاله به دنبال چنین هدفی نیستیم و از این ادبیات نظری برای مروری بر موضوع مهاجرت و به‌خصوص مهاجرت زنان استفاده کرده‌ایم و از آن‌جا که هدف ما در این مطالعه رسیدن به فهمی عمیق‌تر از تجارب و دلایل مهاجرت گروه خاصی از زنان یعنی زنان تحصیل‌کرده است، از نظریات از پیش موجود استفاده نکرده‌ایم.

روش تحقیق

هدف اصلی این پژوهش؛ جست‌وجو، توصیف و تفسیر درک زنان مهاجر از تجربه‌ی زندگی در تهران است برای رسیدن به این هدف علاوه بر مطالعه‌ی اسنادی، سعی شده است تا از طریق مطالعه‌ی کیفی و مصاحبه‌ی

عمیق اطلاعاتی پیرامون موضوع مورد نظر فراهم شود. دنزین و لینکلن^۷ (۲۰۰۰) مطالعه‌ی کیفی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «مطالعه‌ی کیفی در حالی که از روش‌هایی متعدد سود می‌جوید، روی‌کردی تفسیرگرایانه و طبیعت‌گرا به موضوع مورد مطالعه‌اش دارد. به این معنا که تحقیق کیفی موضوعات را در زمینه‌ی طبیعی‌شان مطالعه و تلاش می‌کند تا پدیده‌ها را بر مبنای معانی‌ای که افراد به آن‌ها نسبت می‌دهند تفسیر و فهم کند».

در تحقیقات کیفی فرض این است که دنیای اجتماعی همیشه ساخته‌ی بشر است نه کشف بشر. بنابراین سعی می‌شود تا واقعیت همان‌گونه به‌دست آید که به‌وسیله‌ی پاسخ‌گویان دیده و تجربه شده است. بنابراین از متغیرها و اندازه‌های کمی استفاده نمی‌شود. محقق کیفی سعی می‌کند تا بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضی با واقعیت روبه‌رو شود (کرسول^۸، ۱۹۹۲). به همین دلیل همان‌طور که در قسمت پیشین بیان شد، ما در صدد اثبات نظریات نیستیم و سعی کردیم تا تفسیرهایی را تعبیر کنیم که مردم به خود و دیگران می‌دهند.

در مطالعه‌ی حاضر ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه است. مصاحبه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها است. مصاحبه با سؤال‌های باز این امکان را برای مشارکت‌کنندگان به‌وجود می‌آورد که تجربیات خود را در مورد پدیده‌ی مورد نظر کاملاً توضیح دهند. به همین دلیل مصاحبه‌کننده باید بتواند به ماورای پاسخ‌های پاسخ‌گو برود و جریان‌های واقعی و کلیدی را بفهمد (زندال و اوپن هاور^۹، ۲۰۰۴). شیوه‌ی تعامل مصاحبه‌کننده با پاسخ‌گو و درک او از پاسخ‌های مصاحبه‌شونده مسئله‌ای کلیدی و مهم است که در تحقیقات کیفی باید به آن توجه شود. در بسیاری از موارد پاسخ‌گو نمی‌خواهد یا نمی‌تواند درباره‌ی آن صحبت کند که لازم است محقق سؤال‌های خود را به‌طور غیرمستقیم از پاسخ‌گو بپرسد. سکوت پاسخ‌گو در برابر برخی از سؤال‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که موانعی برای پاسخ به این سؤال‌ها برای او وجود دارد (بلیک^{۱۰}، ۱۹۸۷) که لازم است مصاحبه‌کننده اهمیت این موضوع را در نظر داشته باشد. در مواردی نیز لازم است برخی از سؤال‌ها در فرصت مناسب پرسیده شود. به همین دلیل ممکن است محقق مجبور شود نظم و ترتیبی را که پیش از شروع مصاحبه پیش‌بینی کرده بود، رعایت نکند. بنابراین مهارت، تجربه، دقت و کاردانی محقق می‌تواند تأثیری به‌سزا در نتیجه‌ی پژوهش داشته باشد.

7. Denzin & Lincoln.

8. Creswell

9. Randall & Koppenhaver

10. Bleek

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۵۹

در این مطالعه، شرکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدف‌مند از بین زنان مهاجری انتخاب شدند که در تهران سکونت داشتند. یکی از معیارهای ورود به مطالعه این بود که فرد منتخب در زمان انجام مطالعه تحصیلات دانشگاهی را حداقل در سطح لیسانس به اتمام رسانده و حداقل یک سال از سکونتش در تهران گذشته باشد.

بدیهی است که دسترسی به نمونه‌ی بزرگ به این روش به زمانی زیاد احتیاج دارد، از این رو نمونه کوچک است و به هیچ وجه نتایج حاصل از آن قابل تعمیم نیستند. در این مطالعه با ۲۵ نفر از زنانی مصاحبه کردیم که تحصیلات دانشگاهی داشتند و به تهران مهاجرت کرده‌اند. پس از اطمینان بخشیدن به پاسخ-گویان در محرمانه بودن اطلاعات، مصاحبه آغاز شد. با وجود استفاده از پرسش‌نامه‌ی باز، سعی کردیم که سؤال‌هایی نیز با توجه به نوع پاسخ‌های افراد بپرسیم تا بهتر به اهداف تحقیق دست یابیم. در طی مصاحبه، پاسخ‌گویان با هیچ‌گونه محدودیت زمانی روبرو نبودند و می‌توانستند جنبه‌های زیادی از زندگی‌شان را بازگو کنند و سپس در فرصتی مناسب این داده‌ها بررسی و تحلیل شد. سؤال‌هایی که مورد پرسش قرار گرفت شامل چرایی و چگونگی تصمیم‌گیری، تأثیر مهاجرت روی افراد مهاجر و تجربه‌ی مهاجرت بود.

سن پاسخ‌گویان در این مطالعه از ۲۵ تا ۳۲ سال متغیر بود. چهار نفر از پاسخ‌گویان متأهل و بقیه مجرد بودند. تحصیلات از لیسانس تا دکترا متغیر بود و پنج نفر دکترا، هشت نفر لیسانس و ۱۲ نفر فوق لیسانس بودند. همه‌ی آن‌ها شاغل بودند؛ از بین ۲۵ نفر ۱۱ نفر استخدام رسمی در مراکز دولتی بودند. طول مدت سکونت در تهران از دو تا هشت سال بوده است. دو پاسخ‌گو در پانسیون و بقیه در خانه‌ی استیجاری زندگی می‌کردند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های مصاحبه عمیق

در این بخش تلاش می‌شود با استناد به نظرات زنان مهاجر، درباره‌ی علت مهاجرت و تجربه‌ی زنان از شرایط مهاجرت بحث کنیم. در این‌جا لازم به یادآوری است که نتایج این پژوهش قابل تعمیم به کل زنان مهاجر نیست. علی‌رغم اطلاعاتی مفید که با استفاده از مطالعه‌ی کیفی حاصل شد، ممکن است بخشی از تجربه‌ی زیسته‌ی زنان در شرایط مهاجرت را آشکار کند و بخشی دیگر از شرایط زنان، موقعیت و مشکلات آن‌ها مطالعه نشده باشد.

علت مهاجرت

در حالی که بسیاری از زنان هم‌راه اعضای خانواده‌شان مهاجرت می‌کنند، تعدادی روزافزون از زنان مهاجر نیز به تنهایی مهاجرت می‌کنند. بیشتر زنان داوطلبانه حرکت می‌کنند، اما تعدادی نیز به اجبار مهاجرت کرده‌اند.

انباشت سرمایه‌ی انسانی

تغییرات نگرشی و دگرگونی در باورهای نسل جوان در رابطه با تعاریف‌شان از نقش زن در جامعه، افزایش توقعات و آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی باعث شده است زنان و دختران برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر، بیشتر تلاش کنند. مهاجرت داخلی زنان برای اشتغال، از جمله‌ی این تلاش‌ها برای رسیدن به موقعیت اقتصادی و اجتماعی بهتر است.

با وجود این که اندیشمندان و سیاست‌گذاران مدعی هستند که به تحصیلات و اشتغال زنان توجه دارند، در عمل هنوز تعداد زنان شاغل به نسبت مردان بسیار کم است. برآوردها بیان‌گر وجود تفاوتی قابل ملاحظه بین نرخ مشارکت و بیکاری زنان و مردان است و بازار کار ایران از نظر میزان مشارکت، میزان بیکاری، تنوع شغلی و سطوح عمودی اشتغال دچار بی‌تعادلی جنسیتی به نفع مردان است (رازقی نصرآباد و کارگر، ۱۳۸۸). در این مطالعه نیز تعداد زیادی از زنان مهاجر در جست‌وجوی کار به تهران مهاجرت کرده‌اند. از طرف دیگر، کارفرمایان نیز ممکن است زنان مهاجر را جذب کنند زیرا آن‌ها دریافته‌اند که زنان کارگرانی تعلیم‌یافته‌تر و ارزان‌تر از مردان هستند. برای نمونه پاسخ‌گوی زیر می‌گوید:

«من در شرکت پرونده می‌خوانم. این کار را یک فرد دیپلمه هم می‌تواند، مسلماً کیفیت کار من بهتر است اما از نظر کارفرما کار من با یک دیپلمه فرقی ندارد، حقوق هم اندازه یک دیپلمه است. در حالی که موقع استخدام چند نفر لیسانس و دیپلمه هم بودند که ما سه نفر خانم فوق لیسانس را انتخاب کردیم» (فوق لیسانس تاریخ، ۲۸ ساله از شیراز).

بسیاری از پاسخ‌گویان در تهران توانسته بودند به مشاغلی دست یابند که در شهرستان خودشان کمتر وجود داشته است یا درآمدی کمتر دارند. حتی بسیاری از آن‌ها توانسته بودند به خانواده یا خواهر و برادر خود کمک مالی برسانند. ارسال پول برای خانواده یکی از عواملی بوده است که خانواده با مهاجرت زنان با دختران مخالفت نکند و در واقع دختران مهاجر ارسال پول برای خانواده را به‌عنوان یک مکانیزم

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۶۱

اساسی برای تقویت جای‌گاه خود در خانواده و جامعه‌ی مبدأ و همچنین موافقت خانواده با تصمیم آن‌ها در مورد ماندن در مقصد می‌دانستند.

وجود امکانات و تسهیلات آموزشی و پژوهشی از عوامل مهم دیگر است که باعث شده دختران با تحصیلات عالی به تهران مهاجرت کنند. تعداد زیادی از دختران مهاجر شامل دانشجویانی است که در دانشگاه‌های تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند و بعد از اتمام تحصیل در تهران ماندگار شده‌اند.

«ببینید من دکتر هستم، کار هم تو شهر خودم هست. مسلماً می‌تونم موقعیت خوبی هم داشته باشم یک استاد دانشگاه شوم و موقعیت اجتماعی خوبی هم کسب کنم اما مطمئناً کنکاش‌های علمی من خیلی کم می‌شود، رقابت علمی ناپدید می‌شود. من یک معلم ساده می‌شوم، در عوض در خانه‌داری مدارجی بدست می‌آورم! در اینجا مراکز و نهادهای قدرت، اساتید مجرب... همه متمرکز است ارتباط و پیوند با مراکز مختلف از طریق اساتیدم خیلی امکان‌پذیر است» (دکتر ۳۰ ساله اصفهان).

مسائل اجتماعی و خانوادگی در رابطه با ازدواج

اگر چه دسترسی به فرصت‌های شغلی و آموزشی بهتر در تهران بسیاری از زنان را به مهاجرت برانگیخته است، اما این تنها علت مهاجرت نیست. در طول سه دهه‌ی گذشته، سن ازدواج در ایران افزایش یافته است. سن ازدواج متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. بر طبق داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵، سن ازدواج برای مردان ۲۶/۳ و برای زنان ۲۳/۳ است (رازقی نصرآباد، ۱۳۸۷). با وجود افزایش میانگین سن اولین ازدواج در سال‌های اخیر (به دلیل حمایتی که مذهب و سنت از ازدواج می‌کنند) ازدواج هم‌چنان اساس هویت اجتماعی زنان باقی مانده (تریمان^{۱۱}، ۲۰۰۶) و عمومیت ازدواج، ویژگی اصلی الگوی ازدواج جامعه‌ی ما است (رازقی نصرآباد، ۱۳۸۷). به همین دلیل در برخی مناطق تأخیر در ازدواج منشأ مشکلات زیادی برای زنان و خانواده‌های آن‌ها می‌شود. از این رو تجرد و نداشتن موقعیت مناسب ازدواج به همراه برخی شرایط دیگر، عامل دیگری است که بسیاری از دختران را به ترک جامعه‌ی مبدأ برمی‌انگیزد.

«من که مجردم اگر در شهرستان بودم اذیت می‌شدم، اما این‌جا نمی‌شوم چون مثل من زیاد است. شهرستان هم که می‌روم همه فکر می‌کنند سرم شلوغ است. قصد ازدواج ندارم. علاوه بر این‌ها کنج دل پدر و مادرم هم نیستم که هر روز و شب غم و غصه بخورند» (۲۸ ساله، فوق لیسانس همدان).

¹¹. Tremayne, S

تعدادی از پاسخ‌گویان (۱۲ نفر) به موقعیت بهتر ازدواج در شهر بزرگ اشاره داشتند. از نظر این پاسخ‌گویان گزینه‌های انتخابی به‌خصوص در محیط کار و در جمع دوستان بیشتر است.

«از موقعی که سر کار می‌روم خواستگارهای بهتری دارم. همه دوستانم که تو تهران ماندند همین را می‌گویند. این روزها همه دنبال پول هستند. یک پسر وقتی تصمیم برای ازدواج می‌گیرد روی حقوق همسرش هم حساب می‌کند. حالا شما حساب کنید درآمدی نداشته باشید. با این کمبود پسر که همه جا تو بوق و کرنا کرده‌اند یک دختر چه حال و روزی دارد؟»

در مجموع، عوامل مؤثر بر مهاجرت زنان با تحصیلات دانشگاهی شامل دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر، وجود امکانات آموزشی و پژوهشی در جامعه‌ی مقصد، کاهش فشارهای اجتماعی در جامعه‌ی مبدأ ناشی از افزایش سال‌های تجرد، دستیابی به موقعیت ازدواجی بهتر و رهایی از برخی هنجارها و آداب و رسوم در جامعه‌ی مبدأ است.

تجارب مهاجرت

تجارب مهاجرت دختران و زنان در این مطالعه شامل توان‌مندی زنان، رشد در دو فرهنگ، تبعیض جنسیتی، تغییر از مهاجر به مجرم و از عامل به قربانی ذکر شده است.

توان‌مندی و استقلال بیشتر

به لحاظ سنتی و نظری، زنان به بخش خصوصی و خانگی محدود بودند و از جهان عمومی، تجارت، مسافرت به‌علت نابرابری‌های تاریخی ناشی از تقسیم کار جنسیتی جدا بودند و بیشتر مهاجرت‌های زنان نیز ناشی از تبعید یا اخراج در یک سیستم مردسالاری بوده است. به‌عنوان مثال؛ زنان روسی در گذشته با وجود میل باطنی و به‌علت فشارهای ناشی از نابرابری‌های جنسی و خواسته‌ی مردان مجبور به مهاجرت می‌شدند (سارسنو^{۱۲}، ۲۰۰۴: ۶). بیشتر عواملی که در گذشته تحرک زنان را محدود می‌کرد، امروزه حداقل در قسمت‌هایی از جهان به‌دلیل صنعتی شدن، دموکراسی و دیگر اثرات مدرنیته منسوخ شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که تحرک، بخش اساسی مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع است. با استفاده‌ی روزافزون از قطار و هواپیما این حرکات بیشتر تحریک می‌شوند و انسان، آزاد و رها از فشارها و محدودیت‌های اجتماعی پیشین در فضای عمومی شهر می‌تواند آن‌را وسیله‌ای برای رهایی بیشتر خود ببیند (همان). مسافرت و کار

¹³. Sarsenov, K

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۶۳

در بیرون، آگاهی و مهارت‌های چانه‌زنی و مذاکره‌ی زنان را تقویت می‌کند و افزایش توانایی برای چانه‌زدن با ساختار قدرت در جهان بیرونی توان‌مندی زنان را افزایش می‌دهد (سنگرا، ۲۰۰۳: ۶).

در این مطالعه بسیاری از پاسخ‌گویان زندگی در شهری بزرگ مثل تهران را عاملی در توان‌مند شدن خود ذکر می‌کردند. هنگامی که زنان در مشاغل بیرونی مشغول به کار می‌شوند، ممکن است به منابع مالی دسترسی داشته باشند و این موضوع در به عامل اساسی استقلال زنان به لحاظ تصمیم‌گیری و مسئولیت بیشتر در امور خود و خانواده‌شان تبدیل می‌شود. علاوه بر آن هنگامی که زنان از جوامع سنتی و شهرهای کوچک به جوامع مدرن و شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، آن‌ها با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت‌های زنان آشنا می‌شوند. ممکن است یک خانواده‌ی هسته‌ای را تشکیل دهند که هر دو زن و مرد علاوه بر مشارکت در درآمد در امور دیگر خانواده نیز با یکدیگر تشریک مساعی دارند. در واقع، درون خانواده نیز نقش‌های سنتی زن و مرد تغییر می‌کند. پاسخ‌گوی زیر که کارشناسی ارشد شیمی است، به توانایی‌هایی که در تهران به دست آورده است اشاره می‌کند:

« اعتمادبه‌نفسی که در تهران است، نحوه‌ی ارتباط و حرف زدن متفاوت است. زنان از جای‌گاه بالاتر قدرت صحبت می‌کنند. حتی زن خانه‌داری که در تهران زندگی می‌کند با زن شهرستانی فرق دارد. من فکر می‌کنم آن‌ها بدون شوهر و بچه‌های‌شان هویتی ندارند. تمام دنیای آن‌ها به محیط خانه و همسرشان محدود شده است. روابط تعریف شده است، اما تو تهران برای اهداف خودش زندگی می‌کند. اقتدار زن شاغل نیز در شهرستان خیلی پایین‌تر از زن تهرانی است. با این که ممکن است درآمد یک زن از یک مرد هم بیشتر باشد، اما آن‌جا همه حتی خود زنان به زن به چشم جنس دوم می‌نگرند، زندگی در تهران مرا جسور کرده است به طوری که کمتر اجازه می‌دهم همسرم، خانواده‌ی همسرم یا کارفرما برای من تصمیم بگیرند یا در امور من دخالت کنند» (کارشناسی ارشد شیمی، ۲۸ ساله از کاشمر).

تجربه‌ی زنان در این مطالعه بیان‌گر این است که مهاجرت توانسته است فرصت‌هایی جدید را برای بهبود زندگی زنان و تغییر روابط جنسیتی ایجاد کند. مهاجرت، منبع استقلال، اعتمادبه‌نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتری برای آن‌ها بوده و بر روابط جنسیتی مخصوصاً نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر داشته است.

تبعیض جنسیتی

دموکرات شدن به طور برابر بر زنان و مردان تأثیر نمی‌گذارد و زنان نمی‌توانند بدون پرداختن هزینه یا جریمه، زیبایی یک موقعیت را ببینند (سارسنو، ۲۰۰۴: ۷). نابرابری‌های درآمدی و طبقاتی باعث افزایش

سطوح فقر و از این طریق باعث افزایش نابرابری‌های جنسی شده است (متیو^{۱۳}، ۱۹۹۹: ۱۱). شاخص‌های جهانی بیان‌گر عدم استفاده بهینه از توان‌مندی‌های زنان در تمامی عرصه‌های اقتصادی است. به‌علت کمبود فرصت‌های شغلی، زنان هم‌چنان در پشت سر مردان باقی مانده‌اند. هرچند حضور فیزیکی زنان در بازار کار جهانی بیشتر شده است، نابرابری‌های جنسیتی از لحاظ دست‌مزد و شرایط کار به‌نحوی قابل ملاحظه افزایش یافته است. بسیاری از تحقیقات نشان دادند که در مقایسه با مردان تعدادی نسبتاً کم از زنان در سمت‌های شغلی بالا قرار دارند (فیلمیر^{۱۴}، ۲۰۰۲: ۷۷۰؛ گودمن^{۱۵} و همکاران ۲۰۰۳: ۴۷۷؛ هولست^{۱۶}، ۲۰۰۳: ۶۵؛ اوکلی^{۱۷}، ۲۰۰۰). با بالا رفتن رتبه‌ی شغلی، سهم زنان کاهش می‌یابد. مطالعه‌ای در دانشگاه پنسیلوانیا نیز نشان داد که درصد زنان در هیئت مدیره‌ی ۲۵ شرکت بزرگ در سال ۲۰۰۳ تنها ۰/۹ درصد بوده است (کمیته‌ی برابری جنسی، ۲۰۰۱). مصاحبه با زنان مهاجر نشان داد که اگر چه مهاجرت استقلال زنان را ارتقاء بخشیده، آسیب‌پذیری آن‌ها را نیز افزایش داده است. آن‌ها هم به‌علت موقعیت‌شان به‌عنوان مهاجر و هم به‌دلیل موقعیت‌شان به‌عنوان زن با تبعیض مواجه هستند. پاسخ‌گوی زیر درباره‌ی تجربه‌اش از زندگی در تهران می‌گوید:

«وقتی جایی برای کار می‌روی، می‌بینند زن هستی. از اول یک سری قوانین سخت، کار زیاد و در عین حال ترس از رد کردن را تحمیل می‌کنند. می‌دانند مهاجر هستی به پول احتیاج داری نقطه‌ضعف را می‌دانند. هر کاری با کیفیت خوب را می‌خواهند، اما برای آن که توقعت بالا نرود مدام از کارت ایراد می‌گیرند، پیش بقیه کارکنان سرت داد می‌زنند، خردت می‌کنند و از همان اول، گریه را دم حمله می‌کشند. حالا کار ندارند تو فوق لیسانسی درس خواندی» (کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲۷ ساله از بابل).

تغییر از عامل و کارگزار به قربانی

نتایج مصاحبه با زنان مهاجر نشان می‌دهد که با وجود پیوند مفهومی بین توان‌مندی و مهاجرت در واقعیت، روشی که در آن مهاجرت اتفاق می‌افتد تعیین می‌کند که زن یا دختر در انتهای فرایند، احساس توان‌مند شدن خواهند داشت یا احساس قربانی شدن. به‌عبارت دیگر، اگر فرد با آگاهی و توافق برای کار یا امور شخصی مهاجرت کند، پس در اعمال خواسته‌هایش و حق آزادی برای جابه‌جایی با یک نتیجه‌ی

13. Mathie

14. Fischlmayr

15. Goodman & et al

16. Holst

17. Oakley

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۶۵

مثبت، موفق شده است. از طرف دیگر، اگر نیاز یا آرزویش برای مهاجرت در روش‌های خشن و آزاردهنده و با استفاده از اجبار یا اغفال برآورده شده باشد در زنجیره‌ای کامل از حوادث درگیر می‌شود و بنابراین خود را به‌عنوان قربانی بی‌عدالتی درک می‌کند:

«ببینید من خانواده‌ام با تهران آمدنم موافق بودند. برای رهن خانه کمک کردند و به من سر می‌زدند، اما یکی از هم‌کاران من خانواده‌اش مخالف بودند. مشکلاتش را برای رئیس مرکز گفت و حقوق چند ماهش را پیشاپیش گرفت. از نظر من هم‌کارم وابستگی‌اش را به رئیس مرکز نشان داد. از همان روز هم رئیس با او از جای‌گاه قدرت صحبت می‌کند، کارهایی را از او می‌خواهد که هیچ ربطی به سمت و تخصص او ندارد» (۲۶ ساله، فوق لیسانس از ساری).

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد یکی از مواردی که زنان را از یک عامل و کارگزار به یک قربانی نزدیک می‌کند، تجربه‌ی تشویش و نگرانی بیش از حد زنان به‌علت ترس از اخراج شدن است. در واقع، نگرانی از اخراج از کار به‌عنوان یکی از راه‌های کنترل نیروی کار و اعتراض نکردن به دست‌مزد یا شرایط کاری است.

سوءاستفاده‌ی زبانی، فیزیکی و جنسی، مسکن نامناسب، دست‌مزد پایین، ساعت‌های طولانی کار، بیماری و فقر مشکلاتی است که زنان در این مطالعه در طول مهاجرت با آن‌ها روبرو بودند. از نظر پاسخ‌گویان، این مشکلات برای برخی از افراد زمینه‌ی تغییر از مهاجر به مجرم بودن را فراهم می‌کند و زنان برای رفع مشکلات یا دسترسی به برخی منابع این تغییر موقعیت را پذیرا می‌شوند.

تقریباً تمام پاسخ‌گویان به احساس ناامنی در مواجهه با مردان اشاره کردند. این مسئله ابعادی متفاوتی داشته است و از پیشنهاد‌های غیرمنطقی و تقاضاهای نامناسب ازدواج تا سوءاستفاده‌های جنسی از جانب برخی از همسایگان و هم‌کاران مرد را در بر می‌گرفت. یکی از پاسخ‌گویان در این مورد می‌گوید: «نانوایی، سوپر مارکت، بنگاه مسکن، افراد محل و تمام کسانی که می‌دانند شهرستانی هستی و ازدواج نکرده‌ای، نگاه‌ها، لحن کلام و رفتارشان متفاوت است. این مشکل را شاید بقیه‌ی زنان هم داشته باشند، اما وقتی مهاجری بیشتر است» (زن ۳۳ ساله، دکترای فلسفه از اراک).

زندگی توأم با ترس و ناامنی، تنهایی و مشکلات دیگر باعث شده است که برخی زنان مهاجر خود را در مقایسه با سایر زنان در تهران به‌عنوان یک قربانی ببینند. به نظر می‌رسد برخی از این آسیب‌ها از شرایط نامساعد ساختاری ناشی می‌شود که دختران و زنان به‌عنوان اعضای گروه‌های اجتماعی خاص که در حاشیه هستند دیده می‌شوند و برخی دیگر از هنجارهای جنسیتی.

پارادوکس مهاجرت

در حالی که ممکن است برخی از افراد اغلب در جامعه‌ی مقصد، تحرک اجتماعی رو به پایین تجربه کنند، در مقابل، جامعه‌ی مبدأ یک تحرک اجتماعی رو به بالا را تجربه می‌کنند. همین عامل باعث شده است که آن‌ها زندگی در تهران را ترجیح دهند. به‌عنوان مثال پاسخ‌گوی زیر که دختری تحصیل کرده و در مرحله‌ی از مهاجرتش به‌عنوان پرستار بچه‌ها و سالمندان کار کرده است، در واقع تحرک اجتماعی رو به پایینی در مقصد تجربه کرده است.

«من تو تهران خیلی سختی کشیدم الان برام عادی شده تنهایی، بی‌پولی ... اصلاً نمی‌خواهم به آن شرایط فکر کنم این‌جا خیلی سختی کشیدم. توی یک مرکز تحقیقات با حقوق ۹۰ هزار تومان بدون بیمه چند سال کار کردم، با این حال نمی‌خواستم به شهرستان برگردم. چند ماه پرستار زن سالمندی بودم. در این فاصله ادامه تحصیل دادم، همیشه امیدوار بودم. حالا سابقه کاریم زیاد شده و دوستان زیادی پیدا کردم. از پانسیون بیرون آمدم، سخت گذشت، اما تجربه‌های زیادی به‌دست آوردم. الان زندگی تو تهران را به شهرستان کوچک ترجیح می‌دهم می‌خواهم همین‌جا ازدواج کنم» (فوق لیسانس، ۲۷ ساله شیراز).

در واقع، این پاسخ‌گو طی چند سال زندگی در تهران توانسته است بر بسیاری از مشکلات خود غلبه کند. او افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات و یادگیری مهارت‌های مختلف را از جمله مواردی می‌داند که به‌وسیله‌ی آن‌ها توانسته است خود را تقویت کند و در برابر بهره‌کشی‌های مختلف از حقوق خود دفاع کند و خانواده‌اش نیز با مشاهده‌ی موفقیت‌هایش او را برای ماندن در تهران تشویق کرده‌اند.

با توجه به این که اکثر پاسخ‌گویان در این مطالعه با پارادوکسی مواجه بودند که به‌رغم مشکلات زندگی در تهران به‌عنوان شهر متروپل، امتیازاتی فراوان نیز به‌دست آورده بودند. به همین دلیل بسیاری از زنان و دختران مهاجر گزینه‌ی برگشت را نمی‌خواستند. با این حال عواملی مختلف در برگشت افراد تأثیر دارد. وقتی که بحرانی در خانواده ایجاد می‌شود، بسیاری از زنان به خانه برمی‌گردند. نداشتن شغل ثابت و دست‌مزد کم در کنار پیوندهای خویشاوندی قوی و حمایت خانوادگی در مبدأ، عوامل مهم دیگری است که بر تصمیم افراد برای برگشت تأثیر می‌گذارد.

همان‌طور که گفتیم برخی زنان در محیط کار یا محل سکونت از طرف مردان مورد تهدید و سوء استفاده قرار گرفته‌اند. تجربه‌ی چنین شرایطی عاملی برای تصمیم به «برگشت به خانه» شده است.

نتیجه گیری

این مطالعه مروری مختصر به شرایط زندگی زنان مهاجر در تهران داشت. اگر چه امکان تحرک زنان شاخصی از توانمندی زنان و توسعه‌ی یک جامعه است و در ظاهر مسئله‌ی اجتماعی را جلوه نمی‌دهد، اما با توجه به این که روند مهاجرت زنان به تهران رو به افزایش است و مهاجرت این افراد می‌تواند حاصل یا عامل برخی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود، این مطالعه بیش از هر چیز پرداختن به مسایل زنان مهاجر و دلایل مهاجرت آن‌ها را دنبال کرد. این مطالعه با حجم نمونه‌ی کوچک توانست تا حدی اطلاعاتی در مورد تجربه‌ی مهاجرت و مشکلات این افراد ارائه دهد و این خود گواهی بر این است که باید به موضوع مهاجرت بیشتر توجه و در جهت مدیریت صحیح روند رو به افزایش مهاجرت زنان با تحصیلات دانشگاهی به تهران و ایجاد شرایطی برای تحرک داوطلبانه و مناسب و همچنین امکان برگشت داوطلبانه به جامعه‌ی مبدأ تدبیری اندیشیده شود.

در این مقاله اشاره‌ای مختصر به برخی نظریه‌های موجود در چارچوب مهاجرت داشتیم، اما از این ادبیات نظری برای مرور دلایل و عوامل برانگیزنده‌ی زنان برای مهاجرت بهره گرفتیم. در عوض، از آن-جا که هدف ما در این مطالعه رسیدن به فهمی عمیق‌تر از تجربه‌ی زندگی زنان در شرایط مهاجرت بود، به تأیید یا رد نظریات موجود نپرداختیم هر چند که نتایج این مقاله نیز مانند سایر مطالعات (فیندلی ۱۳۷۲: ۳۵)، برتری انگیزه‌های اقتصادی از جمله جستجو برای کار و درآمد بیشتر را تأیید می‌کند. اکثر زنان در این مطالعه اشتغال، دستیابی به شغل بهتر، بالا بردن سطوح تحصیلی و یافتن همسر مناسب را علت مهاجرت خود به تهران ذکر کردند. مکانیزمی که توسط اکثر زنان مجرد به‌منظور تقویت جای‌گاه خود به‌عنوان زن مهاجر در خانواده و جامعه‌ی مبدأ به کار گرفته می‌شد ارسال پول برای خانواده بود؛ این عامل در کاهش مخالفت خانواده‌ها با مهاجرت آن‌ها خیلی تأثیر داشته است.

همان‌طور که گفتیم اساسی‌ترین تجربه‌ی زندگی زنان مهاجر در تهران، احساس توانمندی و استقلال اقتصادی و اجتماعی بیشتر است. بسیاری از آن‌ها در جامعه‌ی مبدأ با محدودیت دسترسی به شغل مناسب مواجه بودند و در تهران توانسته بودند علاوه بر دستیابی به فرصت‌های شغلی، برنامه‌های جانبی برای افزایش توانمندی خود فراهم کنند.

یکی از مسایل زنان مهاجر، تبعیض جنسیتی در محیط کار است. آن‌ها از نابرابری در دسترسی به بازار کار، دست‌مزد کم و ساعت‌های طولانی کار رنج می‌برند. تغییر از وضعیت عامل به قربانی و احساس ناامنی مقوله‌ای

دیگر از مشکلاتی است که زنان مهاجر با آن درگیر می‌شوند. در این میان، از آن‌جا که آن‌ها بدون خانواده هستند در نظر برخی هم‌کاران و همسایگان مرد، بدون مراقب جلوه می‌کنند. از این رو تقریباً تمام زنان در این مطالعه تجربه‌ی یکی از موارد سوءاستفاده‌های زبانی، جسمی، جنسی و تقاضاهای نابه‌جا برای ازدواج داشتند. بدیهی است که مهاجرت نتایجی متباین دارد؛ به‌رغم این‌که زنان مشکلاتی زیاد را در تهران تجربه کرده‌اند، امتیازاتی زیاد نیز به‌دست آورده بودند لذا این تجربه آن‌ها را در پارادوکسی از محرومیت و مطلوبیت مهاجرت درگیر می‌کند. این تجربه‌ی پیچیده بر تصمیم افراد برای ماندن در مقصد یا برگشت به مبدأ تأثیر می‌گذارد. از آن‌جا که مهاجرت در بسیاری از جنبه‌ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می‌کند اکثر آن‌ها گزینه‌ی برگشت را نمی‌خواهند. با این حال برخی از زنان به‌علت محیط کار نامناسب، احساس ناامنی از سوی مردان، ترس از تنهایی و برخی نیز به‌دلیل شرایط خانواده تصمیم به برگشت به مبدأ دارند. اگرچه در حال حاضر دولت تسهیلاتی برای اشتغال زنان فراهم کرده است، با توجه به افزایش دسترسی زنان به تحصیلات دانشگاهی و همچنین افزایش روند مهاجرت زنان، ضروری است که در جهت افزایش دسترسی به بازار کار و فرصت‌های شغلی در تمام نقاط کشور و تمرکززدایی از امکانات و تسهیلات آموزشی و پژوهشی تدابیری جدی‌تر به‌کار گرفته شود تا از این طریق علاوه بر ایجاد امکان تحرک داوطلبانه، زمینه‌ی برگشت به استان یا شهرستان محل سکونت بسیاری از افرادی فراهم شود که به‌دلیل مسایل اقتصادی و آموزشی و کمبود فرصت‌های شغلی اقدام به مهاجرت کرده‌اند. با توجه به این‌که برخی از دختران مهاجر برای رهایی از فشارهای خانوادگی برای ازدواج یا کار مناسب مهاجرت کرده‌اند، ارائه‌ی اطلاعات و افزایش آگاهی‌های خانوادگی در خصوص تغییرات در حال وقوع در جامعه از جمله ازدواج و اشتغال و همچنین پذیرفتن این تغییرات به‌منظور فراهم کردن بستری مناسب در خانواده برای فرزندان و نزدیک شدن به سیاست «ماندن در خانه» اهمیت دارد.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰) «مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۴۳-۶۰.
- اوبرای، ا. س (۱۳۷۰) مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی.
- امینی، علی‌رضا (۱۳۸۳) «عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران»، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۱۳.

زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران ۶۹

- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۸۱) مهاجرت به شهر تهران. مجموعه مقالات نخستین همایش جمعیت‌شناسی ایران، تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۲۹۳-۲۶۹.
- رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی و محمدرضا کارگر شورکی (۱۳۸۸)، «عدم تعادل جنسیتی در ساختار شغلی ایران»، مجله علمی تخصصی گزیده مطالب آماری، پژوهشکده آمار، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۷۳-۹۴.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران: سمت.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳) «زنان، آموزش عالی و بازار کار»، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱: صص ۱۶۳-۱۴۷.
- فیندلی، سلی (۱۳۷۲) برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی‌زاده.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) زنان در بازار کار ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کازمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵) «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم شماره ۱، صص ۴۲-۲۰.
- کوششی، مجید (۱۳۸۳) «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه نیروی کار استان تهران؛ مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، بررسی مسایل جمعیتی ایران»، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص: ۳۳۷-۳۵۸.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳) «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، مجله پژوهش زنان دوره ۲، شماره ۱: صص ۱۷۸-۱۶۵.
- Bleek, W.** (1987) Lying informants: A fieldwork experience from Ghana. *Population and Development Review*, 13 (2), 314-322.
- Creswell, J.N.** (1988) " Qualitative Inquiry and Research Design Choosing among Five Traditions", Thousand Oaks, CA: Sage.
- Denzin, N. K and Lincoln.** (1994) *Handbook of Qualitative Reserch* , sag Publications, Inc.
- Fischlmayr, I. C.** (2002) Female self-perception as barrier to international careers? *International Journal of Human Resource Management*, 13(5), 773-783.
- Gartner, R., Baker, K., & Pampel, F.** (1990) Gender stratification and the gender gap in homicide victimization. *Social Problems*, 37, 593-612.
- Gender Equity Committee** (2001) Executive Summary The Gender Equity Report, Almanac Supplement 4, www.upenn.edu/almanac.
- Goodman, J. S., Fields, D. L., & Blum, T. C.** (2003) Cracks in the Glass Ceiling: In What Kinds of Organizations Do Women make it to the Top? *Group Organization Management*, 28(4), 475-501.
- Holst, E.** (2003) Too Few Women in Top Posts. *Economic Bulletin*, 40(2), 65.
- Hugo, G.** (1993) Migrant Women in Developing Countries, in Department of Economic and Social Information and Policy Analysis, *Internal Migration of Women in Developing*.

- Martin, S. F.** (2003) Women and Migration Consultative Meeting on Migration and Mobility and How This Movement Affects Women United Nations Division for the Advancement of Women 2-4 December 2003.
- Mathie, A.** (1999) Gender Equity: An International Perspective, Maritime Centre of Excellence for Women's Health (MCEWH).
- Oakley, J. G.** (2000) Gender-based Barriers to Senior Management Position: Understanding.
- Quinlan, R.J.** (2005) Kinship, Gender & Migration from a Rural Caribbean Community, Migration Letters, Vol 2(1): 2 – 12.
- Randall, S., Koppenhaver, T.** (2004) Qualitative data in demography: The sound of silence and other problems, Demographic Research, VOL 11, Article 3, P: 57-94. <http://www.demographic-research.org>.
- Sanghera, J.** (2003) The New Borderlanders : Enabling Mobile Women and Girls for Safe Migration and Citizenship Rights, Consultative Meeting on "Migration and Mobility and how this movement affects Women.
- Sarsenov, K.** (2004) Women's Migration in Contemporary Russian Literature, CFE Working paper series no. 29, Centre for European Studies at Lund University.
- Tremayne, S.** (2006) Modernity and Early Marriage in Iran: A View from Within, Journal of Middle East Women's Studies, Vol 2, No 1:65-94.
- United Nation Economic and Social Commission for Western Asia (UNESCWA)** (2007) Gender and Migration.